

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نظام نشانگانی الگوی پیشرفت نزد کارگزاران حکومتی در تاریخ ایران معاصر

محسن میرزازاده^۱

چکیده

ایران در دوران مدرن از سه الگوی مشروعیت‌زای دموکراسی، عدالت و پیشرفت تاثیر پذیرفته است. پیش‌فرض جستار حاضر این است که در دوره‌ی انقلاب سفید و عصر سازندگی الگوی پیشرفت بر فضای گفتمانی ایران حاکم بوده است. بنابراین کوشیده‌ایم با در پیش گرفتن یک مطالعه‌ی اسنادی به روزنامه‌ی ندای ایران نوین و روزنامه‌ی جمهوری اسلامی مراجعه کرده و نشانه‌های زبانی به‌کاررفته در گفتارهای کارگزاران اصلی حکومت (در این جا حسن‌علی منصور و علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی) را بازبینم و پرده از چیستی نظام نشانگانی ایشان برداریم. بدین‌سان دیده می‌شود که هرچند با وقوع انقلاب اسلامی نظام سیاسی دچار تغییرات اساسی شده، اما نظام نشانگانی الگوی پیشرفت در دوره‌ی انقلاب سفید با تغییرات ناچیزی در دوره‌ی نخست سازندگی هم‌به‌کار می‌رود. این امر بدان معناست که در بیش‌تر موارد این نظام نشانگانی از یک نظم خاص پیروی می‌کند و کارگزاران اصلی حکومت در دوره‌های مزبور یک دغدغه و یک زبان دارند.

واژگان کلیدی: پیشرفت، دوره‌ی انقلاب سفید، عصر سازندگی، حسن‌علی منصور، علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مساله

الگوی پیشرفت محصول دورانی است که ایران آهسته‌آهسته با دنیای مدرن آشنا می‌شود. در پی شکست‌های پیاپی ایران در نبرد با دولت تزاری روس، نخبگان سیاسی ایران و بالاتر از همه‌ی آنها عباس‌میرزا - ولی‌عهد فتحعلی‌شاه - در پی رمزگشایی از این شکست‌ها برآمده و چاره‌ی کار را برای رهایی از ضعف و جهل و بی‌خبری ایرانیان حرکت در مسیر توسعه دانستند. در نتیجه تلاش‌هایی برای استفاده از تجربه‌های اروپاییان و برگرفتن دست‌آوردهای تمدن و فرهنگ غرب در زمینه‌های مختلف آغاز شد و با فرستادن محصلان ایرانی به اروپا، پذیرش متخصصان خارجی، ترجمه‌ی کتب گوناگون و ... اقداماتی در این راستا صورت گرفت، ولی با مرگ عباس‌میرزا چراغ این اصلاحات به خاموشی گرایید. از دوره‌ی ناصرالدین‌شاه به این‌سو در سه برش زمانی سیاست‌مدارانی مانند امیرکبیر، میرزا حسین‌خان سپهسالار و امین‌الدوله به چاره‌جویی پرداختند، ولی به‌خاطر ایستادگی نظم حاکم و صاحبان منافع راه به جایی نبردند تا این‌که انقلاب مشروطه روی داد؛ انقلابی که پاسخی به ناامیدی از اصلاحات از بالا بود. مشروطه‌خواهان همه‌ی تلاش خود را برای استقرار قانون و حرکت

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تهران: mohsenmirzazade@yahoo.com

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

کشور به سمت توسعه و پیشرفت به کار بستند، ولی به دلیل تنش‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی در ماندند و بدین‌سان راه برای به قدرت رسیدن یک فرد نظامی به نام رضاخان هموار شد. از سال ۱۳۰۴ رضاشاه به‌طور رسمی به‌عنوان نماینده‌ی الگوی پیشرفت معرفی می‌شود. با اشغال ایران از سوی متفقین و سقوط رضاشاه دوره‌ای از تنش‌های سیاسی سراسر کشور را فرامی‌گیرد. الگوی پیشرفت تا سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به گوشه‌ای رانده می‌شود تا این‌که با محمدرضاشاه و آگهی انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱ دوباره به الگوی غالب در جامعه تبدیل می‌شود. در این دوره حسن‌علی منصور و بعدها امیرعباس هویدا خود را پس از شاه کارگزار اصلی رسیدن به اهداف انقلاب سفید معرفی می‌کنند. با وقوع انقلاب اسلامی و آغاز جنگ با عراق الگوی پیشرفت باز به قهقرا می‌رود، ولی خسارت‌های ناشی از جنگ ضرورت بازسازی کشور را پس از جنگ ایجاب می‌کند و دولت‌سازندگی و رییس آن علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان کارگزار اصلی بازسازی و سازندگی ظاهر می‌شوند. در مطالعات پژوهشی آنچه تاکنون بیشتر مورد توجه بوده، جنبه‌ی تحولاتی و وقایع‌نگاری دوره‌های مزبور است و جنبه‌ی زبانی‌شان کم‌تر بررسی شده، در حالی که مطالعات زبانی از جمله تحلیل‌های محتوایی و گفتمانی می‌توانند پنجره‌ی جدیدی را به‌سوی بررسی تاریخ فکر ایرانیان و شیوه‌ی اندیشه‌شان در دوره‌ای خاص بگشایند. جستار حاضر نیز در این جهت سامان یافته‌است، با این تفاوت که مرز خود را با مطالعات گفتمانی حفظ کرده و تنها به بررسی چستی نظام نشانگانی پیشرفت در گفتار کارگزاران حکومتی ایران معاصر می‌پردازد. به‌سخن دیگر، در این‌جا می‌خواهیم بدانیم که در دوره‌هایی که دولت‌ها از پیشرفت و توسعه دم‌می‌زنند و الگوی پیشرفت حاکم بی‌چون‌وچرای عرصه‌ی سیاسی ایران است، نظام نشانگانی آن دوران از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و افراد بیش‌تر بر چه نکاتی تمرکز دارند و فضای سیاسی و اقتصادی کشور را چگونه می‌بینند. با توجه به وسعت کار و نبود مجال کافی برای بررسی همه‌ی دوره‌ها، از سه یا چهار دوره‌ی پیش‌گفته تنها دو دوره‌ی انقلاب سفید و عصر سازندگی را برگزیده و از دوره‌های پیشین چشم‌پوشیده‌ایم. در این دو دوره هم از میان کارگزاران انبوه حکومتی به سخنان منصور و هاشمی‌رفسنجانی توجه می‌کنیم. این‌گزینه‌ش از نظر موضوعی بدان‌سبب است که ایشان نقش نخست‌اجرایی را در کشور به‌عهده داشتند و بر همه‌ی امور اجرایی کشور نظارت می‌کردند. همچنین مشروعیت‌شان را از مرجع بالاتری کسب کرده و در چارچوب خواسته‌های آن مرجع حرکت می‌کردند. از نظر روشی هم‌گزینه‌ش مزبور ارتباط تنگاتنگی با رهیافت/روش‌های گفتمانی دارد که بر اساس آن‌ها افراد در یک گفتمان یک‌جور می‌اندیشند و یک‌جور سخن می‌گویند و یک‌جور عمل می‌کنند. هر چند در بخش‌های بعدی اشاره خواهیم کرد که هدف ما ارائه‌ی یک تحلیل گفتمانی نیست و در این جستار تنها به تحلیل محتوایی متون اکتفا می‌کنیم؛ تحلیل محتوایی که به‌عنوان گام نخست در تحلیل گفتمان پیشرفت محسوب می‌شود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بدین‌سان، در ادامه، پژوهش‌های مهمی را که در زمینه‌ی گفتمان پیشرفت صورت گرفته، از نظر می‌گذرانیم و بر ضرورت پژوهش حاضر تاکید می‌کنیم. سپس به بیان مفروضه، پرسش اصلی و پرسش‌های فرعی می‌پردازیم که سوبه‌ی توصیفی دارند. پس از آن روش پژوهش خود را در بررسی متون انتخابی دوره‌ی انقلاب سفید و عصر سازندگی شرح و توضیح می‌دهیم. بدین ترتیب نقشه‌ی راه خود را برای بررسی متون دوره‌های مزبور در اختیار خواننده قرار می‌دهیم.

۱-۲. پیشینه‌ی پژوهش

در این بخش به آثاری که در موضوع و روش با این پژوهش مشترک‌اند، اشاره می‌کنیم. محمّدجواد غلامرضا کاشی در کتاب *جادوی گفتار* با بهره‌گیری از نسخه‌ی سی‌دی‌ای^۱ ۱۹۸۹ فرکلاف، ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ را بررسی کرده است. وی معتقد است که می‌توان در ایران پیشامدرن دو الگوی بدیل را نشان داد: الگوی پادشاهی آرمانی و الگوی عصر ظهور که الگوی نخست مربوط به دوران پیش از اسلام و الگوی دوم مربوط به دوران پس از اسلام است. اما پس از تماس با غرب و بروز تحولات ناشی از آن، ایران سه الگوی آرمانی متفاوت را تجربه می‌کند: الگوی آرمانی ترقی، الگوی آرمانی سوسیالیستی و الگوی آرمانی دموکراسی. لازم به ذکر است که هیچ‌یک از این الگوها در عمل از هم متمایز نیستند و همواره ترکیبی از آن‌ها در عرصه‌ی سیاسی ایران ظهور کرده‌است. وی پس از بیان ویژگی‌های این الگوهای آرمانی نظام معنایی دو جناح سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب را با تمرکز بر روزنامه‌های هوادار آن‌ها در جریان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ تحلیل می‌کند و چشم‌انداز تحولاتی و گفتمانی ایران را در آینده ترسیم می‌کند. به‌همین منظور وی ویژگی‌های گفتمان امام (ره)، گفتمان جنگ و گفتمان سازندگی را برشمرده و نسبت دوم خرداد ۷۶ را با این گفتمان‌ها بررسی می‌کند (غلامرضا کاشی ۱۳۷۹).

غلامرضا کاشی در اثر دیگری با نام *نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران* با استفاده از روش تحلیل گفتمان تئورون‌دایک گفتمان دموکراسی در ایران را تحلیل می‌کند. بدین‌منظور وی متن‌های مهم‌ترین روزنامه‌های نماینده‌ی پیام دموکراسی را در چهار بازه‌ی زمانی انقلاب مشروطه، دهه‌ی ۱۳۲۰، دهه‌ی ۱۳۳۰ و نیز دوم خرداد ۱۳۷۶ تحلیل گفتمان می‌کند. در پایان هم سیر دگردیسی و دگرسانی گفتمان دموکراسی را در ایران ترسیم کرده و نتیجه می‌گیرد که ویژگی جدید این گفتمان، اسطوره‌زدایی از خود، دیگر برتر و مردم است (غلامرضا کاشی ۱۳۸۵).

سعید حجاریان در مقاله‌ای تحول اندیشه‌ی ترقی در ایران را ذیل سه گفتمان تصعید، تکامل و توسعه قرار می‌دهد. گفتمان تصعید به گذشته خوش‌بین و به آینده بدبین است و در نگرشی نخبه‌گرایانه انسان کامل را

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پیشوای انسان‌ها برای رسیدن به سعادت می‌داند. در این گفتمان علم و عقلانیت ابزاری نکوهیده می‌شود و ذکر و یادآوری حضرت حق تنها صورت علم پنداشته می‌شود. در یک خوانش عرفانی از دین لطف الهی سرچشمه‌ی پیشرفت در عالم است و آرزوهای متعالی به جهانی مثلی فرافکنده می‌شود. گفتمان تکامل به‌عنوان گفتمان غالب در دهه‌ی ۱۳۵۰ به دو نسل متفاوت تقسیم می‌شود: نسل یک‌ام، نظریه‌های تکاملی داروین، اسپنسر، کنت و ... را در ترکیب با آیات قرآن برای اثبات نظریه‌های تاریخ‌گرایانه به کار می‌برد. مهندس بازرگان در این نسل است. در مقابل، نسل دوم به پیروی از نظریه‌های تکامل مادی تاریخ، حرکت دَوْرانی تاریخ را نفی کرده و به سیر خطی و ضروری تاریخ متمایل می‌شود. این نسل با خوش‌بینی به آینده و اعتقاد به اراده‌گرایی و دوگانه-انگاری، علل عقب‌ماندگی جامعه را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهد. گفتمان سوم یعنی توسعه، تحت‌تاثیر سنت فکری مدرنیزاسیون و کارکردگرایی بر این موارد پای می‌فشارد: ابزار عقلانی برای رسیدن به اهداف هنجاری و نه ارزشی، منتفی‌دانستن برپایی بهشت زمینی، تجدید نظر در مفهوم‌های سنتی استقلال و وابستگی، تبدیل ستیز به رقابت میان گروه‌ها و درپیش‌گیری یک رویکرد فراگروهی و ضد تاریخ‌گرایی. این گفتمان علل عقب‌ماندگی را در عوامل درونی و نه توطئه‌ی دیگران می‌جوید. اگر گفتمان نخست یک خوانش عرفانی و گفتمان دوم یک خوانش ایدئولوژیک از دین ارائه می‌دهند، گفتمان توسعه باید خوانش عرفی، عصری و علمی را از دین ارائه کند تا یک عنصر خارجی تلقی نشود (حجاریان ۱۳۸۰).

فریدون آدمیت در کتاب *اندیشه‌ی ترقی و حکومت قانون - عصر سپهسالار* به بررسی اندیشه‌ی ترقی در دوره‌ی سپهسالار از سال ۱۲۷۵ تا ۱۲۹۷ ه.ق (۱۲۳۷ تا ۱۲۵۸ ه.ش) می‌پردازد. او معتقد است که در دوره‌ی قاجار تنها پس از یک شکست خارجی اندیشه‌ی تغییر جان می‌گرفت. این اندیشه و میل تنها در میان نخبگان جریان داشت، تا این که روزنامه‌ها این اندیشه‌ها را در میان مردم عادی منتشر کردند. آدمیت رساله‌های این دوره را که درباره‌ی ترقی نوشته شدند، بازتاب اندیشه‌های دکارت، نیوتن، داروین و کنت می‌داند. به نظر او وجه مشترک همه‌ی رساله‌ها انتقادی بودن و ترقی‌خواهانه بودنشان بود. مجموع این آثار بر تحول فکر در دستگاه دولت دلالت دارند:

جهت کلی آن [تعقل اجتماعی] بهبود سیاست، وضع تنظیمات، و قواعد جدیدی موضوعه است، یعنی نفی آیین بی‌قانونی و خودکامگی فردی. جنبه‌ی دیگر آش حقوق انسانی است؛ مهم‌ترین عناصر حقوق اجتماعی شناخته گردیده‌اند. تفکر ملی نیز جلوه‌ی تازه‌ای دارد - لغات وطن، وطن‌پرستی، ملتی و ملی بیش‌تر از پیش به‌کاررفته‌اند. از نظرگاه تفکر اقتصادی به فقر عمومی و تنزل زراعت و تجارت توجه پیدا کرده‌اند. و از این که بازار ایران را کالای مصرفی بیگانه پر ساخته، انتقاد نموده‌اند. چاره‌ی خرابی اقتصادی را در پیشرفت صنعت و فلاح و تجارت و گردآوردن سرمایه‌ی داخلی و برپاکردن کامپانی خانگی تمیز داده‌اند (آدمیت ۱۳۵۱، ۳۰).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

روی هم رفته، به نظر آدمیت برآیند رساله‌ها این بود که دولت بایستی راهبری ترقی در جامعه را به عهده گیرد (آدمیت ۱۳۵۱).

۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

طرح دوباره‌ی مفهوم پیشرفت در سالیان اخیر نزد رهبر معظم انقلاب اسلامی و خواسته‌ی ایشان مبنی بر بهره‌مندی جامعه‌ی ایرانی از یک الگوی بومی اسلامی-ایرانی، نگارنده را واداشت تا برای فهم هرچه بهتر الگوی پیشرفت به تاریخ ایران معاصر مراجعه کند. در واقع طرح الگوی پیشرفت در تاریخ ایران تازگی نداشته و در دوره‌هایی که در این جستار بررسی شده‌ایم، مدعیان حکومتی پیشرفت هر یک از منظر خود بدان پرداخته‌اند. بنابراین نگاه به گذشته‌ی الگوی پیشرفت از رهگذر متون سخنرانی کارگزاران برای امروز ما بی‌شک سودمند خواهد بود. همچنین نگاه مزبور ما را با نوع اندیشه و بیان ایشان در باب پیشرفت آشنا خواهد کرد و ذهنیت ایشان را نسبت به مقوله‌ی پیشرفت و الگوسازی بر ما آشکار می‌کند. ناگفته نیست که دوره‌های مورد بررسی از نظر ایدئولوژی حاکم بی‌شک تفاوت‌های آشکاری با هم دارند و ما هم از این موضوع غافل نیستیم.

با توجه به پیشینه‌ی ادبیات پژوهشی که در بالا بدان اشاره کردیم، به جز موارد اندکی مانند آثار غلامرضا کاشی و حجاریان و کمی دورتر آدمیت، اثر دیگری به الگوی پیشرفت (توسعه) در تاریخ ایران معاصر نپرداخته‌است. به سخن روشن‌تر، از نظر موضوعی الگوی پیشرفت و نظام نشانگانی آن در پژوهش‌های تاریخی چندان محل اعتنا نبوده و نگارنده به جز یک مورد^۱ به هیچ پژوهش خاصی درباره‌ی الگوی پیشرفت در تاریخ ایران معاصر برخورد کرده‌است. از نظر روشی هم تاکنون مطالعه‌ی اسنادی خاصی در این موضوع انجام نشده‌است. این امر پژوهش حاضر را از نظر نوع پرداخت به موضوع پیشرفت ضروری و یگانه می‌کند. شایان ذکر است که جستار حاضر تنها تکه‌ی کوچکی از برنامه‌ی پژوهشی نگارنده است. به سخن بهتر، افق پژوهشی که در بلندمدت ترسیم شده، بررسی ذهنیت سیاسی-اجتماعی ایرانیان نسبت به مقوله‌ی پیشرفت در پرتو مطالعات گفتمانی است. این امر نیازمند بررسی همه‌ی جهان‌بینی‌ها، منظرها و خرده‌گفتمان‌ها در دوره‌هایی است که گفتمان پیشرفت هژمون است. بنابراین در این جا تنها گام نخست را که در این مسیر پر پیچ‌وخم برداشته شده، در معرض دید خوانندگان قرار می‌دهیم و ارائه‌ی گام‌های دیگر را به جستارهای بعدی می‌سپاریم.

۴-۱. پیش فرض‌ها (مفروضه‌ها)

پیش فرض نخست ما برگرفته از آرای غلامرضا کاشی است که در آن ذهنیت اجتماعی ایرانیان در درازای تاریخ هیچ‌گاه ثابت نبوده و می‌توان با اندکی آسان‌گیری آن را به دوره‌هایی تقسیم کرد. او در این باره می‌گوید:

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در یک استنباط ساده‌سازی شده از ذهنیت اجتماعی ایران پیش از ورود به دوره‌ی مدرن حداقل دو الگوی بدیل در خصوص نحوه‌ی آشکارگی در عرصه‌ی سیاسی می‌توان نشان داد: نخست الگوی پادشاهی آرمانی که به تمدن ایران پیش از اسلام تعلق دارد و دوم الگوی عصر ظهور که به ایران پس از اسلام تعلق دارد. البته این نکته را مفروض انگاشته‌ایم که الگوهای مذکور هیچ‌یک منتزع و مستقل از دیگری در صحنه حضور پیدا نمی‌کنند و همواره امتزاج ویژه‌ای از این دو اتفاق می‌افتد (غلامرضا کاشی ۱۳۷۹، ۴۹).

البته غلامرضا کاشی تنها به این دو الگوی آرمانی اکتفا نمی‌کند و معتقد است پس از نخستین تماس‌های ایرانیان با فرهنگ و تمدن غربی در دوران قاجار، می‌توان با در پیش‌گرفتن یک رویکرد ساده‌سازی شده، سه الگوی آرمانی از تنوعات گفتاری و معنایی موجود به‌دست داد: الگوی آرمانی ترقی، الگوی آرمانی سوسیالیستی (عدالت اجتماعی) و الگوی آرمانی دموکراسی.^۱ بدین‌سان وی برای هر یک از این الگوها ویژگی‌هایی را به‌شرح زیر ترسیم می‌کند (غلامرضا کاشی ۱۳۷۹، ۶۸-۴۹):

الگوی پادشاهی آرمانی پیشاپیش یک نظم مینوی را در نظر دارد که جهان خاکی مطابق با آن ساخته می‌شود تا بتوان به جنگ با پلیدی رفت. بر این مبنا تنها نظام راستین نظام پادشاهی است که بر اساس تقدیر و حکمت و خواست آسمانی موجودیت یافته‌است و نظام دیگری غیر از خود را بر نمی‌تابد. کنش‌گر سیاسی ملزم به هم‌نوایی با شاه به‌عنوان نماینده‌ی جهان مینوی در این دنیا است تا بتواند به راستی و هدایت نایل شود. پادشاهان راستین سه مشخصه‌ی اصلی دارند: فرّ، توانایی، وفاداری به آیین.

در الگوی عصر ظهور انسان و تمام مظاهر عالم زیر چتر هدایت الهی جهت نیل به کمال قرار دارند و در این راه عقل بشری به‌سبب درک ناقص قوانین الهی نیازمند رسولان و امامان است. به‌سخن دیگر زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نیست. در روایت شیعی زندگی انسان تکلیف‌مدارانه است. بر این مبنا غایت زندگی سیاسی ایجاد جامعه‌ای بر پایه‌ی قوانین شرع است. از نظر این الگو در عصر غیبت نظام‌های سیاسی دیگر مشروعیت ندارند. البته بعدها در این الگو تغییرات زیادی شکل گرفت؛ به‌طوری‌که اکنون از آن با نام اسلام سنتی یاد می‌کنند. نظریه‌های پادشاهی در ایران پس از اسلام ترکیبی از وجوه آرمان‌زدایی شده از دو الگوی بالا هستند.

الگوی ترقی تحت‌تاثیر پیشرفت‌های عظیم علمی و صنعتی با یک مشرب ضد فردگرایی و ضد برابری جامعه‌ی مطلوب خود را یک جامعه‌ی سلسله‌مراتبی و مبتنی بر نظام کارخانه‌ای می‌داند. در این الگو سیاست همانا اداره‌ی علمی جامعه به‌وسیله‌ی فرد متخصص و کارآزموده است تا بتوان با آن بر فقر و عقب‌ماندگی چیره شد. بدین‌سان در الگوی ترقی سنجش امور بر حسب سودوزیان است و و کار، تلاش و سازندگی نکوداشته می‌شوند.

۱ - غلامرضا کاشی برای توضیح گفتارهای مشروعیت‌ساز بر مفهوم ذهن جمعی و نقش روایت‌ها و اسطوره‌ها تکیه می‌کند (غلامرضا کاشی ۱۳۷۹، ۳۷).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

الگوی عدالت اجتماعی ریشه در دوران غارنشینی دارد، ولی در روایت مارکسیسم بلشویکی جامعه چونان یک کارخانه است که کارگر و کارفرما دو گروه اصلی آن هستند. بر خلاف الگوی ترقی در این جا کارگر حمایت می-شود. جامعه آرمانی، جامعه‌ای تهی از مناسبات بهره‌کشانه است، پس باید با طبقه‌ی صاحب ابزار تولید در ستیز همیشگی بود. همچنین بهره‌مندی هر کس به میزان کار و مقدار نیازآش وابستگی سراسر دارد. در نهایت جوامع به اهداف این الگو خواهند رسید و اراده‌ی افراد تنها نقش تسریعی یا تعویقی دارد.

الگوی دموکراسی تحت تاثیر عصر روشن‌گری و اندیشه‌ی چهره‌هایی مانند جان لاک و ژان ژاک روسو در برابر استبداد سیاسی شکل گرفت. هدف اصلی آزادی همگان و داشتن شرایط برابر در عرصه‌ی سیاسی است که از راه مبارزه و نافرمانی بر ضد استبداد و دست‌زدن به توسعه‌ی سیاسی شدن است.

به نظر غلامرضا کاشی الگوهای بالا الگوهای آرمانی هستند و در عمل ترکیب خاصی از آن‌ها رخ می‌دهد.



با پذیرش پیش‌فرض بالا می‌کوشیم تا با مطالعه‌ی گفتار نمایندگان حکومتی الگوی پیشرفت در دوره‌ی انقلاب سفید و عصر سازندگی دغدغه‌ها و بیان ایشان را در گفتار و نه کردار ارزیابیم و در این راه به یک پژوهش اسنادی دست‌می‌یازیم. بدین‌سان پرسش‌های ما در این جستار به‌صورت زیر سامان می‌گیرد:

۱-۵. پرسش اصلی

نظام نشانگانی الگوی پیشرفت در دو دوره‌ی انقلاب سفید و عصر سازندگی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

۱-۶. پرسش‌های فرعی

۱. الگوی پیشرفت در دوره‌ی انقلاب سفید چه ویژگی‌هایی دارد؟

۲. الگوی پیشرفت در عصر سازندگی چه ویژگی‌هایی دارد؟

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

با توجه به پرسش‌های بالا می‌بینیم که در این پژوهش اکتشافی توصیفی بنیان کار است و نه تبیین و آزمون فرضیه. شالوده‌ی اصلی این پژوهش همانا پرسش‌هایی است که هدفشان درک چستی نظام نشانگانی پیشرفت در دوره‌ی خاصی است و به‌هیچ‌روی با چرایی و چگونگی کاری ندارند.

۷-۱. روش پژوهش

در این پژوهش اسنادی روش گردآوری داده‌ها از نوع کتاب‌خانه‌ای است و برای پاسخ به پرسش‌های فرعی‌مان از اسناد نوشتاری که در زمره‌ی داده‌های کیفی هستند، سود می‌بریم. از این‌رو متن‌های مهم و رسمی سخن‌رانی نمایندگان اصلی الگوی پیشرفت - منصور و هاشمی‌رفسنجانی - را برگزیده‌ایم. در آغاز برای گزینش متون مورد نظرمان در دوره‌ی انقلاب سفید به *روزنامه‌ی ندای ایران* نوین مراجعه کرده‌ایم^۱. این روزنامه به‌عنوان دستگاه وابسته و رسمی حزب *ایران* نوین متن کامل سخن‌رانی‌های منصور را منتشر کرده‌است. سپس در عصر سازندگی همه‌ی سخن‌رانی‌های هاشمی‌رفسنجانی را در دوره‌ی نخست ریاست‌جمهوری‌اش مرور کرده‌ایم که در *روزنامه‌ی جمهوری اسلامی* به‌طور کامل منتشر شده‌است^۲. بنابراین می‌بینیم که پژوهش حاضر از نظر تحلیل داده‌ها در زمره‌ی پژوهش‌های دست اول قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که شیوه‌ی برخورد و مواجهه‌ی پژوهش‌گر با سند (متن سخنرانی) بی‌میانجی است.

از آنجایی که قرار است در این‌جا به‌جای پرداختن به علت شکل‌گیری الگوی پیشرفت به چستی آن بپردازیم، به‌هیچ‌روی با علت(های) حاکم‌شدن الگوی پیشرفت یا دلایل درپیش‌گرفتن یک نظام معنایی خاص از سوی افراد در دوره‌ی انقلاب سفید یا سازندگی کاری نداریم. در واقع تنها می‌خواهیم از چستی نظام نشانگانی دوره‌های مزبور در گفتار نمایندگان اصلی حکومت پرده‌برداری کنیم. پس رویکرد ما در این پژوهش یک رویکرد توصیفی خواهد بود و نه رویکرد تبیینی. ما در این جستار بر آن هستیم تا پاسخ مناسبی برای پرسش‌مان بیابیم؛ پرسشی که ناظر بر چستی است و نه تعلیل و تبیین.

رویکرد کلی ما هم در این‌جا تفسیری است و بر خلاف رویکردهای اثبات‌گرا در پی انطباق واقعیت بیرونی با محتوای متن سخنرانی نیستیم. برای ما بازخوانی سخنرانی‌ها برای رسیدن به یک برداشت معتبر اهمیت بیش‌تری دارد. برای تحلیل متون هم از تحلیل محتوا استفاده کرده‌ایم که البته از تحلیل محتوا در معنای رایج‌اش فاصله‌ی معناداری دارد (سیدامامی ۱۳۸۷، ۳۷۸). در واقع، در این‌جا تنها بسامد بالای نشانه‌های مهم در مجموع سخنرانی‌ها مورد نظر است تا بتوانیم از این رهگذر به نظام نشانگانی الگوی پیشرفت در هر دو دوره

۱- از شماره‌ی ۱ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۴/۷ تا شماره‌ی ۱۴۵ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۱۱/۷ در کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی مجلس.
۲- از شماره‌ی ۲۹۴۳ به‌تاریخ ۱۳۶۸/۵/۷ تا شماره‌ی ۴۱۰۲ به‌تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۱ در کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی مجلس.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پی‌بریم. تاکید می‌کنیم که روش ما در این جا گام نخست اما ضروری برای مطالعات گفتمانی است و این پژوهش در حال حاضر با رهیافت/روش‌های گفتمانی فاصله‌ی معناداری دارد.

۲. انقلاب سفید: حسن علی منصور

۱-۲. درآمد

حسن علی منصور به‌عنوان نخست‌وزیر و دبیر کل حزب ایران نوین از نمایندگان اصلی الگوی پیشرفت در دوره-ی انقلاب سفید محسوب می‌شود. پس ضروری است تا به رویدادها و تحولات سیاسی این دوره به‌صورت فشرده اشاره کنیم. سپس به نکته‌های اصلی و برجسته‌ی منصور در سخنرانی‌های مختلف می‌پردازیم و روشن می‌کنیم که منصور در سخنرانی‌های خویش بیش‌تر به چه موضوع‌هایی توجه کرده‌است.

۲-۲. تحولات اجتماعی - سیاسی انقلاب سفید (دوره‌ی منصور)

در سال ۱۳۳۹ رژیم شاه بحران اقتصادی بزرگی را تجربه کرد که آشفتگی‌های اجتماعی زیادی به‌همراه داشت. کافی نبودن درآمد نفتی برای تامین هزینه‌ی برنامه‌های بلندپروازانه‌ی هفت‌ساله و نیز هزینه‌های فزاینده‌ی نظامی دولت را با کسری بودجه روبه‌رو کرد. هم‌زمانی کسری بودجه با خشک‌سالی دولت را مجبور به درخواست کمک مالی از صندوق بین‌المللی پول و ایالات متحده آمریکا کرد، اما ایالات متحده کمک به ایران را مشروط به ورود لیبرال‌ها به کابینه و نیز اجرای اصلاحات ارضی دانست (آبراهامیان ۱۳۸۷، ۵۱۸).

به‌باور آمریکایی‌ها هر چند دولت ایران از زمان کودتای ۱۳۳۲ تا روی کار آمدن رییس‌جمهور کندی حدود یک میلیارد دلار از آمریکا کمک دریافت کرده‌بود، اما در راستای اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی کشور کاری نکرده‌بود و به‌همین دلیل در آستانه‌ی ورشکستگی قرار داشت. از سوی دیگر آمریکایی‌ها از نفوذ کمونیسم شوروی هم به‌شدت احساس خطر می‌کردند و اجرای برنامه‌ای مانند اصلاحات ارضی را گامی در جهت توسعه‌ی عدالت اجتماعی و در نتیجه تضعیف حزب توده و کمونیسم می‌دانستند. بنابراین در راستای دکترین کندی که «اتحاد برای پیشرفت» نام داشت، قطع کمک‌های نظامی، واگذاری سرمایه برای توسعه‌ی اقتصادی و دست‌آخذ اصلاحات از بالا برای مهار انقلاب خشونت‌آمیز از پایین، در اولویت قرار گرفت (ملایی توانی ۱۳۸۰، ۳۵۵).

پس از کش‌وقوس‌های فراوان و چندین جابجایی در اردیبهشت ۱۳۴۰ شاه با بی‌میلی و زیر فشار آمریکا علی‌امینی را به‌عنوان نخست‌وزیر برگزید. سبب اعتماد آمریکا به امینی این بود که از یک‌سو وی در آغاز دهه‌ی ۱۳۳۰ سفیر ایران در آمریکا بود و از سوی دیگر با جبهه‌ی ملی ارتباط داشت. امینی همچنین از حامیان اصلاحات ارضی بود، اما پیشینه‌ی استقلال‌نسبی او، همکاری‌اش با قوام و مصدق، کارهای تک‌روانه‌ی او در دوره‌ی نخست‌وزیری و نیز محبوبیت بیش از اندازه‌ی ارسنجانی وزیر کشاورزی‌اش شاه را تشویق کرد که خود سکان‌دار برنامه‌ی اصلاحات ارضی شود. امینی پس از ۱۴ ماه صدارت، به‌خاطر درگیری شهربانی با دانش‌جویان

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در دانشگاه تهران از مقام خود استعفا داد (همایون کاتوزیان ۱۳۸۶، ۲۶۹). اما شاه بر خلاف پیش‌بینی امینی استعفا را پذیرفت و امیر اسدالله علم را به نخست‌وزیری گمارد.

شاه با برکناری امینی، میدان را برای انجام کارهای اصلاحی دیگر بازتر دید. در نتیجه اصول دیگری مانند: ایجاد سپاه دانش، فروش کارخانه‌های دولتی به سرمایه‌گذاران خصوصی، فروش سهام کارخانه‌ها به کارگران، ملی کردن جنگل‌ها، واگذاری حق رای دادن و حق انتخاب شدن به زنان به‌عنوان نماینده‌ی مجلس را به اصلاحات ارضی افزود و هم‌همی این موارد را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ با عنوان «انقلاب سفید»^۱ به همه‌پرسی گذاشت. البته بعدها اصولی مانند سپاه بهداشت، سپاه ترویج و آبادانی، ایجاد خانه‌های انصاف در روستاها، ملی کردن منابع آب کشور، اصلاحات اداری و چند مورد دیگر بدان افزوده شد.

سخنان توهین‌آمیز شاه به روحانیت و حمله به مدرسه‌ی فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ سرچشمه‌ی تحولات زیادی در صحنه‌ی سیاسی ایران شد. در پی کشتار فیضیه و تظاهرات بزرگ تاسوعا و عاشورا در ۱۲ و ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ و سخنرانی‌های افشاگرانه‌ی آیت‌الله خمینی و پیرو آن دستگیری وی، مردم در ۱۵ خرداد به خیابان‌ها ریختند که علم به‌شدت آن را سرکوب کرد. شاه با تحلیل شرایط عمومی کشور به این نتیجه رسید که سررشته‌ی امور را باید به‌دست طیف جدیدی از افراد بدهد. این افراد که از صاحب‌منصبان جوان دولتی و تحصیلکرده‌ی دانشگاه‌های خارج از کشور بودند، از مدت‌ها پیش در انجمن مترقی دور هم جمع شده بودند. بنابراین علم استعفا داد و شاه رییس انجمن، حسن‌علی منصور، را در اسفند ۱۳۴۲ به سمت نخست‌وزیری منصوب کرد.

منصور فرزند رجب‌علی منصور نخست‌وزیر رضاشاه پیش از حمله‌ی متفقین به ایران بود. او در سال ۱۳۲۴ لیسانس خود را در رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه تهران گرفت. عضویت در هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس صلح پاریس، ریاست دفتر وزیر امور خارجه در کابینه‌ی رزم‌آرا، ریاست دفتر نخست‌وزیر در دولت حسین علاء (دو بار)، معاونت اول سیاسی وزارت خارجه در دولت مصدق، وزیر کار در کابینه‌ی اقبال از سمت‌های او بودند (صدری ۱۳۸۳، ۱۷). همچنین در سال ۱۳۳۷ به‌عنوان دبیر شورای عالی اقتصاد منصوب شد. منصور در سال ۱۳۴۰/انجمن مترقی را متشکل از تکنوکرات‌ها و مدیران جوان ایرانی تشکیل داد. «ریشه‌ی انجمن دوره‌ای بود که منصور در سال ۱۳۳۸ راه انداخته بود» (ع. میلانی ۱۳۸۰، ۱۷۲). اعضای انجمن در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اقتصادی مملکت به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند. انجمن در آذر ۱۳۴۲ به حزب *ایران نوین* تغییر نام داد. منصور از اسفند ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۴۳ نخست‌وزیر بود.

۱- این انقلاب به نام‌های دیگری نیز معروف بود: انقلاب شاه و مردم، انقلاب شاه و ملت، انقلاب ششم بهمن.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۲-۳. نشانه‌های مهم الگوی پیشرفت در سخنرانی‌های منصور

منصور در سخنرانی‌های مختلف همواره بر نکته‌های خاصی پای می‌فشرد. در این بخش می‌کشیم تا بر نکته‌هایی که بسامد بالایی داشته‌اند، تمرکز کنیم و در این رابطه به یک یا دو نمونه از سخنرانی‌های منصور استناد خواهیم کرد.

۱-۳-۲. کانونی بودن رهبری شاه

منصور در سخنرانی‌های خود همواره شاه را رهبری توانا و لایق معرفی می‌کرد. شاه در بیان منصور ضامن حرکت کشور به سوی توسعه و پیشرفت بود. در این تصویر، شاه وارث افتخار شاهان هخامنشی و نیز ادامه‌دهنده‌ی راه پدر خود در بنیان‌گذاری ایران نوین بود. به سخن دیگر، در مسیر پیشرفت شاه در جایگاه یک فرمانده بود و منصور در قامت یک سرباز. منصور وجود شاه را برای کشور نعمت بی‌همتایی می‌دانست که مردم بایستی آن را قدر بدانند:

ما با هیچ‌کس عهد و پیمان نیسته‌ایم و به هیچ‌کس تعهد نسپرده‌ایم جز به رهبری که این راه را برای ما ترسیم کرده‌اند و این نیروی ایمان و صداقت را در مملکت حمایت می‌فرمایند و به کلیه‌ی خدمت‌گزاران دولت با توجه به استقبال ملت از پیشرفت برنامه در راه زندگی بهتر برای همه، عنایت مخصوص دارند.^۱

یا در روز سلام عید مبعث می‌گوید:

امروز ایران و ملتی مسلمان را که در آن زیست می‌کند، قانندی عادل و توانا رهبری می‌کند که از رسول اکرم الهام گرفته و با مشکلات فراوان و مصائب گوناگون زمان، راه حق و حقیقت و تامین عدالت و پیشرفت تمدن معنوی و مادی را با انقلاب عظیم ششم بهمن به طریقی تعلیم و ارشاد می‌فرمایند که جبران عقب‌ماندگی کشور بشود و شالوده‌ی محکم یک اجتماع سالم بنا گردد.^۲

۲-۳-۲. انقلاب سفید

منصور همه‌جا از پای‌بندی خود به شاه و اهداف شاهانه که در انقلاب سفید تبلور یافته‌بود، سخن می‌گفت. در بیان منصور انقلاب سفید مکمل انقلاب مشروطه و نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران معاصر بود. بدین سان شاه با آگهی اصول انقلاب سفید مسیر جدیدی را برای توسعه‌ی کشور گشوده و حزب ایران نوین را به پاسداری از انقلاب سفید منصوب کرده است. منصور همواره بر نتیجه‌های درخشان این انقلاب و ثبات و پیشرفت ناشی از آن پای‌فشرد، خود و دولت‌اش را وفادار به انقلاب معرفی می‌کند:

اساس اجتماع ما تا قبل از انقلاب شاه و مردم بر پایه‌ی درستی استوار نبود و حکومتی که در مملکت وجود داشت متعلق به اکثریت نبود. زنان ما که نیمی از نیروی مملکت به‌شمار می‌آیند از حقوق اساسی محروم بودند. با تحول اعجاب‌آور ششم بهمن به دست شاهنشاه و رهبری خردمندانه معظم‌له آن اوضاع عوض شد و حکومت اکثریت در مملکت بوجود آمد و پایه‌های یک حکومت دموکراتیک را در ایران بوجود آورد.^۳

۱- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۶۰ به تاریخ ۱۳۴۳/۰۷/۰۱

۲- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۱۰۹ به تاریخ ۱۳۴۳/۰۹/۱۲

۳- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۷۰ به تاریخ ۱۳۴۳/۰۷/۱۵

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

۳-۲-۳. مکتب سیاسی جدید

منصور دولت خود را به‌خاطر حزبی‌بودن همواره نخستین دولت حزبی در ایران معرفی می‌کند، زیرا به‌گمان او احزاب در گذشته بر پایه‌ی منافع شخصی و گروهی پدید می‌آمدند، ولی حزب ایران نوین نخستین حزب واقعی بود که در جهت پیشرفت و سعادت کشور تشکیل شده‌است. این حزب در انتخابات اکثریت آرا را به‌دست آورده و دبیر کل آن از سوی شاه به‌عنوان رییس کابینه منصوب شده‌است. به‌نظر منصور پیوند این دولت حزبی با نظام پادشاهی پهلوی نوید مکتب سیاسی جدیدی را می‌دهد که در کشورهای دیگر بی‌سابقه است:

من امیدوارم تاسیس حزب ایران نوین در استان آذربایجان بتواند مکتب سیاسی جدید و محل تشکیل اجتماعات سالمی بشود که روی هدف‌های انقلاب اجتماعی اخیر ایران پایه‌ریزی شده‌است.^۱

۴-۳-۲. برنامه‌داربودن دولت

منصور دولت خود را دولتی معرفی می‌کند که بر پایه‌ی برنامه پیش می‌رود. این دولت نخستین دولتی است که بودجه‌ی خود را برای تصویب به مجلس ارائه می‌کند:

تفاوتی که این دولت با حکومت‌های گذشته دارد این است که این دولت با برنامه‌ای روی کار آمده که از انقلاب شاه و مردم الهام گرفته‌شده است و در واقع همان افکار بلند و عالی به‌صورت علمی روی کاغذ آورده شده‌است.^۲

۵-۳-۲. بهبود زندگی مردم

توجه به بهبود معیشت و تامین نیازهای مردم یکی دیگر از درون‌مایه‌های مهم سخنرانی منصور است. یکی از شعارهای مهم دولت او «(زندگی بهتر برای همه‌ی مردم)» است. بدین‌سان دولت بایستی به همه‌ی ابعاد زندگی مردم - چه مادی چه معنوی - توجه کند و در راستای ارتقای سطح زندگی افراد بکوشد:

هدف و کوشش ما باید بالا بردن سطح زندگی مردم باشد. وقتی سطح زندگی مردم روی اصول صحیح و منطقی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی بالا رفت، رونق بازار بیش‌تر خواهد شد.^۳

۶-۳-۲. تشویق مردم به صبر، فداکاری و جهاد

یکی از شعارهای مهم منصور «(جهاد در راه پیشرفت)» بود. منصور رسیدن به توسعه و پیشرفت را امر آسان و سریعی نمی‌پنداشت، بلکه صبر، کار و تلاش همه‌ی مردم را شرط تحقق آن می‌دانست. به‌نظر او دوران سازندگی دوران سختی و مشقت برای رسیدن به هدف بود:

بنده اطمینان دارم که نمایندگان محترم سنا با دولت خدمت‌گزاری که مبعوث شاهنشاه و مورد حمایت مجلسین است هم‌قدم و هم‌صدا هستند که تحولات و انقلاب اخیر ایران نیازمند فداکاری و از خودگذشتگی و جهادی است در راه نوسازی ایران.^۴

و در جای دیگر:

۱- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۶۲ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۰۷/۰۵

۲- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۵۳ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۰۶/۲۳

۳- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۶۲ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۰۷/۰۵

۴- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۷۶ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۰۷/۲۳

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اگر ما فکر نکنیم که تمام روستاهای ایران را خواهیم توانست با اعتبارات فعلی یا احتمالاً هرگونه پیش‌بینی درآمد‌های اضافی آینده نوسازی کنیم، قرن‌ها طول خواهد کشید. پس باید یک جهادی را شروع کرد و آن جهاد جهاد نوسازی است. جهاد جنبش است. جهاد کار و کوشش است و جهاد این است که حرف و غرض را کنار بگذاریم و [...] ^۱

۷-۳-۲. استقلال کشور

از نظر منصور استقلال بدین معنا نیست که کشور همه‌ی نیازها را خود به‌تنهایی برطرف کند، بل در برخی امور لازم است از دیگران کمک بگیرد و این امر با استقلال کشور ناسازگار نیست: از لحاظ سیاست خارجی ایران با استقلال کاملی که رجال بزرگ ایران که در اینجا جمع شده‌اند و تاریخ نیم قرن اخیر را به خاطر دارند تایید می‌فرمایند که هیچ‌وقت ایران دارای چنین استقلال کامل سیاسی و اقتصادی نبوده‌است. ^۲ در حالی که در جای دیگر می‌گوید:

کارشناسان خارجی در صنایع ما در دستگاه‌های دیگر ما به‌عنوان دوستان و خدمت‌گزاران این مملکت زحمت می‌کشند [...] گروه معدودی کارشناسان خارجی که ما هنوز از لحاظ علمی شاید به آنها نیازمند باشیم [...] ^۳

۸-۳-۲. آغاز دوران جدید

انقلاب شاه و مردم سرآغاز دوران جدیدی است که افکار کهنه و پوسیده در آن جایی ندارند.

روز ششم بهمن در حقیقت انقلاب بزرگ دیگری به‌وقوع پیوست که من آن را انقلاب کبیر ایران می‌نامم. این انقلاب مکمل انقلاب مشروطیت ایران بود. آن چه که ما نتوانستیم در مدت پنجاه و چند سال به‌طور شایسته به ملت ایران عرضه کنیم این انقلاب رشته‌هایی را که به پای مردم این مملکت برای ترقی و تعالی و برای به‌دست‌آوردن دموکراسی و آزادی واقعی و برای ایجاد حکومت اکثریت از هم‌گسیختن و ملت ایران از روز ششم بهمن دوران تازه و نوینی را شروع کرده‌اند. این دوره دوره پرافتخاری است که تاریخ کهن ایران با خطوط زرین نقش خواهد کرد. ^۴

۹-۳-۲. ثبات و امنیت، لازمه‌ی توسعه و پیشرفت

منصور همواره از سرمایه‌گذاران خارجی دعوت می‌کند تا در کشور ایران سرمایه‌گذاری کنند. او در این راه ثبات کشور را به ایشان تضمین می‌دهد تا با خیال آسوده وارد ایران شوند.

[...] این یک نمونه‌ی بارز است به این‌که کشورها و یا شرکت‌های خارجی که تا این حد حساب بازگانی و حساب تجارتی سرمایه‌گذاری خود را می‌کنند، به وضع آینده‌ی امیدبخش ایران اطمینان دارند که می‌توانند چنین شرایطی را به یک کشوری پیشنهاد بکنند و این بهترین نمونه است که ما باید به ملت ایران عرضه کنیم که آن‌ها که سرمایه‌ی بزرگ دارند بدانند که امن‌تر از ایران برای سرمایه‌گذاری جایی نیست [...] بیگانگان از پیشرفت و ثبات ایران اطلاع دارند. ^۵

۱- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۱۲۱ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۱۰/۰۲

۲- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۸۷ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۰۸/۰۸

۳- روزنامه‌ی ندای ایران نوین، شماره‌ی ۹۴ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۰۸/۱۹

۴- روزنامه‌ی ندای ایران نوین شماره‌ی ۲۵ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۰۵/۱۴

۵- روزنامه‌ی ندای ایران نوین شماره‌ی ۱۳۹ به‌تاریخ ۱۳۴۳/۱۰/۲۸

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱۰-۳-۲. دعوت از بخش خصوصی برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی

در گفتارهای منصور به روشنی می‌بینیم که دولت تک‌عامل پیش‌برد امور معرفی نمی‌شود، بل در این راه نیاز به همکاری بخش خصوصی هم نیاز است. در پیوند با مورد پیشین منصور این اطمینان را به بخش خصوصی می‌دهد که سرمایه‌گذاری ایشان و سود حاصل از آن در پرتو امنیت و ثبات داخلی حفظ خواهد شد:

در این‌جا به کلیه‌ی تجار، بازرگانان، صاحبان صنایع، اصناف و پیشه‌وران اعلام می‌کنم و از آن‌ها یاری می‌طلبم. بدانند یقین دارم و مسلماً می‌دانند در پناه چنین امنیتی در این مملکت سرمایه‌ی آن‌ها حفظ می‌شود و این امنیت سبب بقا و دوام آن‌هاست و می‌توانند سرمایه‌ی خود را به‌کار اندازند و از آن به‌طور صحیح استفاده‌برند و تشریک مساعی در راه توسعه‌ی اقتصادی مملکت است و این طبقه باید در این جهاد ملی تشریک مساعی کرده و در حقیقت کوشش بکنند که سرمایه‌های خود را با اطمینان کاملی که برنامه‌های دولت در آن متذکر است، در راه بالابردن سطح تولید، در راه توسعه‌ی اقتصادی مملکت تجهیز کنند.^۱

۱۱-۳-۲. کنار گذاشتن تمرکز اداری و مبارزه با کاغذبازی

یکی از مواردی که در گفتار منصور در دوره‌ی نخست‌وزیری‌اش مایه‌ی تفاوت دولت او با دولت‌های پیشین است، تمایل دولت به عدم تمرکز اداری و پرهیز از فرایندهای زاید دیوان‌سالارانه است که سرعت پیش‌برد طرح‌ها را کند می‌کند.

پایه‌ریزی و اساس حکومت استان‌ها و عدم تمرکز و واگذاری اختیارات بیش‌تر به استان‌ها تا آن‌جا که برنامه‌های مملکتی اجازه می‌دهد، از طریق این کنفرانس عملی گردید.^۲ یا در جای دیگر می‌گوید:

ما در اجرای برنامه‌های وسیع نیازمند ماموران صادق، دلسوز و فعال هستیم. دیگر زمان کاغذبازی و زمان کارکردن در اتاق‌های دربسته و دوربودن از نیروی خلاقه‌ی ملت سپری شده‌است. ماموران دولت باید در بین شما باشند و من خوش‌یختانه در استان خوزستان احساس کردم که استاندار جوان شما در چنین راهی که دولت انشا کرده‌است و از ایشان خواسته‌است صدیق و خدمتگزار هستند.^۳

۱۲-۳-۲. هم‌راستایی اصول انقلاب با اهداف اسلام

منصور همواره می‌کوشد تا اهداف انقلاب سفید و پیرو آن اهداف دولت خود را موافق اسلام نمایش دهد. به‌باور او اصول انقلاب سفید نه‌تنها با آموزه‌های دین اسلام منافاتی ندارد، بل همان آموزه‌ها را به بهترین شیوه پیاده می‌کند. در «زندگی بهتر برای همه‌ی ایرانیان» شاخصه‌های عدالت، برابری و پیشرفت وجود دارد که همگی از اهداف اسلام و وظایف حضرت محمد(ص) بوده‌است:

ما روی عدالت، روی مساوات و روی حقیقت عمل می‌کنیم. این الهامی است که از رهبران بزرگ دین اسلام گرفته‌ایم و از رهبران سیاسی مانند شاهنشاه گرفته‌ایم. ما در عین این‌که به مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وقوف کامل داریم، حقیقت و معنی قلوب پاک و شعایر دینی و معنوی را فراموش نمی‌کنیم. ما به خدای بزرگ، پیغمبر اسلام [ص] و به علی علیه‌السلام و سایر رهبران بزرگ اسلام سر تعظیم و

۱- روزنامه‌ی ندای ایران نوین شماره‌ی ۱۰۴ به تاریخ ۱۳۴۳/۰۸/۰۴

۲- روزنامه‌ی ندای ایران نوین شماره‌ی ۷۲ به تاریخ ۱۳۴۳/۰۷/۱۹

۳- روزنامه‌ی ندای ایران نوین شماره‌ی ۹۴ به تاریخ ۱۳۴۳/۰۸/۱۹

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

احترام فرود می آوریم و با ایمانی که به قرآن کریم داریم، سوگند یاد می کنیم که راه اسلام و راه حقیقت خدمت به ملت و ایجاد عدالت و مساوات و اجرای برنامه های صحیح و سریع در راه زندگی بهتر برای شما ملت ایران است.^۱ مبارزه با فساد اداری هم از دیگر نشانه های الگوی پیشرفت در گفتار منصور است که از جمله در شماره ی ۸۶ این روزنامه دیده می شود.

۳. عصر سازندگی: علی اکبر هاشمی رفسنجانی

۱-۳. درآمد

هاشمی رفسنجانی نماینده ی اصلی گفتمان پیشرفت در دوره ی جمهوری اسلامی است. لازم است به رویدادها و تحولات سیاسی منجر به ریاست جمهوری وی در مرداد سال ۱۳۶۸ به صورت فشرده اشاره کنیم. در ادامه به نکته های اصلی و برجسته ی او در سخنرانی های مختلف پرداخته و مشخص می کنیم که در سخنرانی های او بیش تر به چه موضوع هایی توجه کرده است.

۲-۳. تحولات اجتماعی - سیاسی دوره ی نخست سازندگی

در شهریور ۱۳۵۹ و در اوج کشمکش های سیاسی میان گروه های مختلف قدرت دولت عراق به ایران حمله کرد. این جنگ که تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشت، خسارت های زیادی را برای کشور به بار آورد. بسیاری از زیرساخت های اقتصادی کشور ویران شد. افراد بسیاری خانه و کاشانه ی خود را در نواحی جنگ زده رها کرده و به مناطق دیگر مهاجرت کردند. در اثر این جنگ تعداد زیادی کشته، زخمی و معلول شدند و به همین نسبت خانواده های فراوانی بی سرپرست ماندند. بدین سان بخش فراوانی از درآمدهای دولت به جای این که برای توسعه ی سطوح مختلف کشور و افزایش کیفیت زندگی به کار رود، صرف هزینه های ناشی از جنگ شد.

سال های میانی پیروزی انقلاب در ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ را می توان دوران درگیری های سیاسی گروه های مختلف قدرت دانست که سرانجام با پیروزی روحانیون طرفدار حضرت امام خمینی (ره) به پایان رسید. پس از ترور محمدعلی رجایی، آیت الله سیدعلی خامنه ای در انتخابات مهر ماه ۱۳۶۰ به عنوان رئیس جمهور برگزیده شد. سیاست این دولت تا سال ۱۳۶۸ و در شرایط غیر عادی جنگ مبتنی بر مملی کردن صنایع و کارخانه ها، کنترل قیمت و سهمیه بندی و توزیع کالاهای اساسی با کالابریگ (اقتصاد کوپنی)، اسلامی کردن دانشگاه ها و سیاست تجاری محدود بود، ولی کاهش درآمدهای نفتی و هزینه های سرسام آور جنگ مانع تحقق کامل برنامه ها شد، به طوری که دولت بسیاری از خدمات خود را کاهش داد (م. میلانی ۱۳۸۸، ۳۶۴).

در چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ یک سال پس از پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ و برقراری آتش بس میان دو طرف درگیری حضرت امام خمینی (ره) رهبر انقلاب درگذشت و مجلس خبرگان آیت الله خامنه ای را به عنوان رهبر جدید

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

برگزیدید. همچنین متن بازنگری‌شده‌ی قانون اساسی در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۶ به همه‌پرسی گذاشته‌شد. مهم‌ترین بخش بازنگری‌شده در قانون اساسی از یک‌سو حذف سمت نخست‌وزیری و تمرکز قدرت اجرایی در مقام ریاست‌جمهوری و از سوی دیگر تقویت قدرت و اختیارات رهبری بود. در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۷ با برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان رئیس‌جمهور برگزیده‌می‌شود.

هاشمی‌رفسنجانی از یاران نزدیک امام خمینی (ره) در روزهای سخت و حساس انقلاب بود. عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی رهبری در شورای عالی دفاع^۱، ریاست مجلس شورای اسلامی از آغاز تشکیل، جانشینی فرمانده کل قوا^۲، منصب‌ها و مسئولیت‌های هاشمی‌رفسنجانی پس از انقلاب بودند (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۸، ۳۹۰). همچنین عضویت در مجلس خبرگان رهبری، امام‌جمعه‌ی موقت تهران و سرپرستی وزارت کشور را هم می‌توان به سمت‌های او افزود.

۳-۳. نشانه‌های مهم الگوی پیشرفت در سخن‌رانی‌های هاشمی‌رفسنجانی

هاشمی‌رفسنجانی در سخن‌رانی‌های گوناگون همواره بر موارد خاصی پای‌می‌فشرد. در این بخش می‌کوشیم تا بر آن نکته‌هایی که بسامد بالایی داشته‌اند، تمرکز کنیم و در این راه تنها به یک یا دو نمونه از سخن‌رانی‌های او استناد خواهیم کرد.

۱-۳-۳. کانونی‌بودن دیدگاه اسلام درباره‌ی زندگی

هاشمی‌رفسنجانی در سخن‌رانی‌های خود پیش از رسیدن به ریاست‌جمهوری بسیار کوشید تا دین اسلام را مکتبی معرفی کند که در آن میان زندگی دنیا و زندگی آخرت^۳ («تعادل») برقرار شود. در تفسیر او از اسلام دین و دنیا مزاحم هم نبودند و حتا دنیاداری یک وظیفه‌ی اسلامی قلمداد می‌شد. بدین‌معنا دین افزون بر آخرت برای این دنیا هم برنامه داشت. به‌نظر او خطر مهمی که جامعه‌ی اسلامی را تهدید می‌کرد این بود که زُهدِ واقعی جای‌اش را به تفکر صوفی‌منشانه داده‌است. هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های اول نماز جمعه بیش‌تر به این نکته پرداخته‌است:

[...] امروز که شرایط جهانی به وضعی است که مردم دنبال راه می‌گردند، با فروپاشی مادی و ایجاد حیرت در بین مردمی که به دنبال راه و مکتب هستند، مطرح‌کردن اسلام به‌خصوص درباره‌ی راه و روش زندگی به‌نظر می‌رسد یکی از وظایف خطبا از تریبون‌های دینی است.^۴

بر این اساس او وعده‌ی یک زندگی بهتر را به همه نوید می‌دهد:

یکی از دستورات اسلامی که برای اداره‌ی زندگی در متن اسلام گنجانده‌شده این است که از پیروان خودش می‌خواهد که زمین را آباد کنند و بر زمین و طبیعت پیروز شوند و اسرار طبیعت را کشف کنند و طبیعت را مهار کنند و از نعمت‌های الهی که در زمین و فضا و دریا گذاشته‌ شده بهره ببرند برای زندگی بهتر.^۱

۱- پس از شهادت مصطفی چمران در سال ۱۳۶۰

۲- در ماه‌های پایانی جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷

۳- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۵۴۸ به‌تاریخ ۱۳۷۰/۰۶/۱۶

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۲-۳-۳ پای بندی به اهداف انقلاب اسلامی

او همه جا خود را به اهداف انقلاب اسلامی پای بند دانسته و دولت خود را در جهت تحقق آرمان های انقلاب می داند. در این دیدگاه اهداف تغییر نکرده، اما بستر عوض شده و شرایط جدیدی پدید آمده است: در کنار سازندگی وظیفه اصلی خود را که پاسداری از آرمان های انقلاب است، نباید فراموش کنیم و اولویت نخست را به آرمان های انقلاب می دهیم.^۲

۵-۳-۳ رد مارکسیسم و کاپیتالیسم و طرفداری از اقتصاد مختلط

هاشمی رفسنجانی نظام جمهوری اسلامی را نظامی معرفی می کند که به هیچ یک از مکتب های شرقی و غربی اتکا ندارد. به نظر او نظام پیرو تعالیم دین اسلام است که در آن از اقتصاد مختلط طرفداری شده است: مارکسیسم و کاپیتالیسم با عدالت و حقوق اکثریت مردم در تضاد است و ما رویه ای داریم و فکر می کنیم اقتصاد مختلط کارگشا باشد و اسلام هم همین نظر را دارد.^۳

۳-۳-۳ برنامه داربودن دولت

سخن رانی های مختلف هاشمی رفسنجانی نشان گر اصرار او بر حرکت بابرنامه ی دولت سازندگی است. او کابینه ی خود را یک کابینه ی کاری می داند که بر پایه ی برنامه به اداره ی امور کشور می پردازد. به نظر هاشمی رفسنجانی برنامه ی دولت واقع گرایانه و تا اندازه ای محافظه کارانه است. گفتنی است که او همواره نقش دولت گذشته در طراحی این برنامه را یادآوری می کرد:

این برای اولین بار در جمهوری اسلامی [است] که بودجه را بر اساس برنامه ی درازمدت دولت تقدیم به مجلس می کند و این موقعیت به خاطر زحمات زیادی که در گذشته کشیده شد، مجلس و دولت و شورای نگهبان و دولت گذشته و امروز کار کردند و بحمدالله ما امروز دارای اولین برنامه ی پنج ساله در نظام انقلابی مان هستیم.^۴

۴-۳-۳ سفارش به کار، تلاش، ایثارگری و جهاد اقتصادی و پرهیز از اسراف

هاشمی رفسنجانی بازسازی ویرانی های جنگ و رسیدن به توسعه را به کار و تلاش مردم مشروط می کند. او در بسیاری از سخن رانی های خود از مردم می خواهد که تنبلی را کنار بگذارند. در این راه وی به کارکردن امام علی (ع) در نخلستان های کوفه استناد می کند. همچنین از مردم می خواهد که از اسراف و تبذیر بپرهیزند. در همین رابطه روزنامه ی جمهوری اسلامی از سخن رانی هاشمی رفسنجانی در جمع دانش جویان به شرح زیر گزارش می دهد:

۱- روزنامه ی جمهوری اسلامی، شماره ی ۲۹۷۱ به تاریخ ۱۳۶۸/۰۶/۱۱

۲- روزنامه ی جمهوری اسلامی، شماره ی ۳۸۲۵ به تاریخ ۱۳۷۱/۰۵/۲۸

۳- روزنامه ی جمهوری اسلامی، شماره ی ۳۰۱۳ به تاریخ ۱۳۶۸/۰۸/۰۲

۴- روزنامه ی جمهوری اسلامی، شماره ی ۳۱۱۳ به تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۰۲

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آقای هاشمی رفسنجانی با ابراز خوش بینی کامل به آینده‌ی کشور از دانش جویان خواستند با تلاش و زحمات خود کشور را در جهت سازندگی یاری داده و با توجه به شرایط دوران بازسازی با رعایت صرفه جویی در وقت و امکانات و تلاش مضاعف و ایثارگرانه کشور را از این مرحله‌ی مشکل با سرفرازی عبور دهند.^۱

۳-۳-۶. استقلال

هاشمی رفسنجانی معتقد است که دولت در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی مستقل است، اما با توجه به خسارت-هایی که جنگ بر پیکره‌ی اقتصاد کشور وارد کرده‌است، بایستی در راه استقلال اقتصادی حرکت کرد. به‌باور او ایران باید به‌دست ایرانی آباد شود. تنها از این راه می‌توان به هدف انقلاب یعنی استقلال کامل دست یافت. از جمله در جشنواره‌ی خوارزمی می‌گوید:

[...] تحقیقاً بدون فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی کشور نمی‌تواند مستقل باشد و هر چند از لحاظ سیاسی بتوانیم مستقل باشیم، باز عقب بوده و متکی به خود نخواهیم شد [...] و راه سعادت و تکامل کشور و انقلاب دست‌یابی به خودکفایی است.^۲

و نیز:

کشورهای جهان سوم به‌خاطر نیازهای اقتصادی مجبور به پذیرفتن سیاست‌های دیگران می‌شوند. به‌همین خاطر ما که حرف‌های زیادی برای گفتن داریم، باید برای مسایل اقتصادی اهمیت زیادی قائل شویم.^۳

۳-۳-۷. الگوسازی برای کشورهای دیگر

او باور دارد که اگر کشور بتواند به توسعه و پیشرفت برسد، می‌توان از آن به‌عنوان نمونه و الگویی برای دیگر کشورهای جهان سوم یاد کرد:

کشور ما فقیر نیست و نباید به جهان سوم تعلق داشته باشد. ما می‌توانیم ایران را به یک کشور مرفه و الگو تبدیل کنیم که حتا قادر باشد به کشورهای اسلامی و فقیر کمک کند.^۴

۳-۳-۸. تاکید بر نقش رهبر در حمایت از کابینه

هاشمی رفسنجانی همواره بر حمایت رهبر انقلاب از دولت اشاره کرده و این امر را مایه‌ی مباحثات دولت‌اش می‌داند. به‌نظر او سیاست‌های دولت و رهبری در یک راستاست و هیچ‌کس نباید با کم‌کاری در این راه سنگ‌اندازی کند:

[...] ما همیشه پشتیبان‌های خوب و حمایت‌های بارزشی از ایشان داریم. البته توقع ما هم همین است، چون ما عملاً مجری سیاست‌های خود ایشان هستیم و با آشنایی که با اندیشه‌ها و تفکرات ایشان داریم، وظیفه‌ی خود می‌دانیم که خواسته‌های ایشان را که بر ما و مردم ولایت دارند، اجرا کنیم. [...] متأسفانه به‌خاطر نکاتی که در این دو سه روز دیده شد، بعضی‌ها قلب ایشان را مکدر کردند که ما از این جهت متاثریم

۱- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۵۱۸ به‌تاریخ ۱۳۷۰/۰۵/۱۰

۲- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۳۹۱ به‌تاریخ ۱۳۶۹/۱۱/۲۰

۳- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۵۰۸ به‌تاریخ ۱۳۷۰/۰۴/۲۷

۴- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۶۱۵ به‌تاریخ ۱۳۷۰/۰۹/۰۴

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

و مایل نیستیم کسانی که نظر رهبری را می‌دانند حرکتی خلاف ایشان انجام دهند. [...] ما امیدواریم که ملامت پدرانهای که امروز (دیروز) شنیده شد برای اولین بار و آخرین بار باشد و بعد از این افراد مواظب باشند و در محدوده‌ی نظرات رهبری حرکت کنند.^۱

۳-۳-۹. حذف قوانین دست‌وپاگیر اداری

در این دوره یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم وجود قوانینی است که یا از گذشته به ارث مانده‌اند یا در شرایط انقلابی به تصویب رسیده‌اند. بنابراین هاشمی‌رفسنجانی لازم می‌داند برای پیش‌برد بهتر و شتاب‌دار امور این قوانین را حذف کرد.

یکی از نارسایی‌های عمده در این راه وجود قوانین زایدی است که از گذشته‌ها و به تناسب نیازهای مقطعی بر دستگاه‌های اداری حاکم شده که شاید در آن زمان لازم بوده، اما امروز مشکل‌آفرین و غیر لازم است. چنان‌چه دستگاه‌های اداری و ادارات کشور اصلاح شود، در دوره‌ی سازندگی موفق خواهیم بود و سرعت اصلاحات تاثیر مستقیمی در زندگی مردم دارد.^۲

۳-۳-۱۰. ضروری بودن وحدت و یک‌پارچگی ملت

در گفتار هاشمی‌رفسنجانی وحدت و یک‌دلی ملت رمز موفقیت انقلاب از آغاز تاکنون بوده‌است. بنابراین لازم است برای نگه‌داشتن زنجیره‌ی پیروزی‌ها همه با هم گوش به فرمان رهبری انقلاب در راه سعادت و پیشرفت ایران اسلامی گام بردارند.

از مهم‌ترین ارکان پیروزی انقلاب اسلامی و پشت‌سر نهادن توطئه‌های رنگارنگ دشمنان وحدت امت اسلام حول محور ولایت فقیه است، صفوف خود را حول این محور فشرده‌تر سازید که عزت و شرف، سرافرازی و پیشرفت شما و مملکت در گروی آن است.^۳

۳-۳-۱۱. فشار همیشگی دشمنان خارجی

از دیدگاه هاشمی‌رفسنجانی عامل عقب‌ماندگی کشور دخالت کشورهای خارجی و در راس‌شان آمریکا است که چه پیش از انقلاب از راه وابسته‌کردن اقتصاد کشور به کالاهای خارجی و دخالت در سیاست و برنامه‌ریزی کشور و چه پس از انقلاب از راه پشتیبانی از دشمنان داخلی و خارجی نظام در راه اعتلای کشور مانع‌تراشیدند. به‌باور او این دشمنی‌ها هنوز هم ادامه دارد.

آمریکا و دیگر کشورهای استکبار به‌طور جدی مزاحم کارهای ما هستند و در تمام امور توطئه و کارشکنی می‌کنند، ولی تجربه نشان داده که همت و اراده‌ی ملت ما بیش از قدرت زورگویان است و این تجربه به‌خوبی برای همه ملت‌های تحت ستم می‌تواند مفید باشد.^۴

۳-۳-۱۲. بادآوری مستمر مشکلات ناشی از جنگ

در این گفتارها همواره خسارت‌های جنگ و مشکلات برخاسته از آن همواره گوش‌زد می‌شود. این امر تا بدان‌جاست که ضرورت توجه بیش‌تر به امر اقتصادی دیگران را به این فکر وامی‌دارد که شاید انقلاب از اهداف سیاسی به‌سوی اهداف اقتصادی روی‌گردانده است. گزارش زیر در این باره است:

۱- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۰۶۹ به‌تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۰۷

۲- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۶۵۱ به‌تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

۳- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۵۱۴ به‌تاریخ ۱۳۷۰/۰۵/۰۶

۴- روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۳۶۵۱ به‌تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۴

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

خبرنگار خبرگزاری صداقت هند پرسید: صاحب‌ظران می‌گویند با تمرکز قوه‌ی اجرایی تحول‌بزرگی در کشور شما روی خواهد داد و جنبه‌ی اقتصادی و تامین رفاه اجتماعی از اصول کار شما خواهد بود. آیا این چنین است؟
آقای رفسنجانی گفت: اینکه انتخاب من تحولی خواهد بود قبول ندارم و مسیر حرکت همچنان پیش خواهد رفت و من هم خدمت‌گزاری هستم که ممکن است مسئولیتی به من واگذار شود، من فکر می‌کنم یکی از کارهای لازم این است که بعد از مشکلات ایجادشده از جنگ ما باید به زندگی مردم بپردازیم و اقدام به رونق اقتصادی کشور کنیم و این جزو بزرگ‌ترین برنامه‌های ماست، اما این امر در راس امور نخواهد بود.^۱

باید بیفزاییم در گفتار این دوره افزون بر موارد بالا بر تولید هر چه بیش‌تر واحدهای تولیدی پافشاری می‌شود. در این‌جا هدف اصلی در برنامه‌های دولت، تولید بیش‌تر است. نمونه‌های این امر را می‌توان در شماره‌های ۳۶۷۲ و ۳۵۲۵ روزنامه‌ی جمهوری اسلامی دید.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش‌های پیشین اشاره کردیم، منصور و هاشمی‌رفسنجانی در دوره‌ی خود نمایندگان شیوه‌ی خاصی از تفکر در باب پیشرفت و توسعه‌ی کشور بودند. بر اساس پیش‌فرض‌های نظریات گفتمانی هم ایشان و هواداران‌شان در آن دوره‌ها هم‌اندیشه و هم‌زبان هستند. پس با بررسی متون یکی‌شان می‌توان به ویژگی کلی متون آن دوره پی‌برد. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی متون هر دوره به ما نشان می‌دهد که در دوره‌ی انقلاب سفید و عصر سازندگی که الگوی پیشرفت حاکم بود، کارگزاران حکومتی به‌نسبت فراوانی از یک زبان و یک دغدغه برخوردار بوده و در نتیجه بر نشانه‌های مشترک و خاصی پای می‌فشردند: نقش مرجع بالاتر در سیاست-گذاری و پیش‌برد امور، تحقق همه‌ی خواسته‌ها و نیازهای سیاسی و اقتصادی ایرانیان در پرتو انقلاب، پای‌بندی به همه‌ی اهداف انقلاب، ادعای تفاوت نظام سیاسی حاکم با دیگر نظام‌های سیاسی در سراسر جهان، الگوسازی برای کشورهای مختلف، طرح‌ریزی اهداف و اجرای آن‌ها بر پایه‌ی یک برنامه و بودجه‌ی مدون، طرح شعار «زندگی بهتر برای همه‌ی مردم ایران»، تاکید بر استقلال کشور در همه‌ی حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، شروع یک دوران تازه، نیاز به ثبات و امنیت کشور برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، سفارش مردم به کار و جهاد اقتصادی.

از منظر تحولاتی هم می‌توان به این نکته اشاره کرد که الگوی پیشرفت همواره پس از یک دوره نابسامانی در کشور ظهور یافته‌است؛ حال این نابسامانی در دوران پس از کودتا بوده یا پس از هشت‌سال جنگ. در واقع در این الگو تلاش دولت‌ها بر این ادعاست که می‌توانند کشور را از اوضاع نابسامان و نامتعارف کنونی برهانند و به حالت عادی بازگردانند تا بدین‌وسیله مردم زندگی بهتری را تجربه کنند. بنابراین می‌بینیم که نشانه‌های زبانی به‌کاررفته در هر دو دوره در اثر الگوی پیشرفت از یک نظم یکسان پیروی می‌کنند. اهمیت این نکته

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

زمانی افزون‌تر می‌شود که بدانیم در دوره‌های مزبور ایدئولوژی غالب تفاوت فراوانی با هم دارد. در مورد نخست یک حکومت سکولار با مرکزیت سلطنت و نگاه به ایران باستان روی کار است و در دومی یک حکومت دینی با مرکزیت ولایت فقیه و نگاه به صدر اسلام.

در این‌جا آنچه خود را به‌روشنی نمایان می‌کند، اهمیت امر اقتصادی است. به‌طوری‌که می‌بینیم کارگزاران حکومتی به کار و تلاش اقتصادی بار ارزشی و معنوی داده و از آن با نام جهاد یاد می‌کنند. سویی‌ی دیگر سخن مزبور این است که در نظر ایشان کشور در حوزه‌ی سیاسی به چنان نوع بسندگی و استقلال سیاسی رسیده که نیازی به تلاش افراد در این حوزه نیست و بایستی تمام نگاه‌ها به سمت اقتصاد بازگردد؛ حوزه‌ای که پیش‌تر از آن غفلت شده‌است.

از آن‌چه گفته‌شد نباید چنین برداشت کرد که کارگزاران حکومتی بااراده و به‌میل به چنان درک و زبان مشترکی رسیده‌اند که به‌طور مثال در این جستار دیدیم، بل ایشان بدین‌خاطر به کاربرد چنین نشانه‌هایی تن-می‌دهند که ذهنیت نهفته در پشت الگوی پیشرفت به ایشان بار می‌کند. در واقع این ویژگی یکی تحلیل‌هایی از این دست است که پژوهش‌گر را به پشت پرده‌ی زبان رهنمون می‌کند. باز هم تاکید می‌کنیم که ما در این‌جا ادعای ارائه‌ی یک پژوهش بر مبنای تحلیل گفتمانی را نداشتیم و جستار حاضر تنها به‌منزله‌ی گام نخست و آغازین چنین تحلیل‌هایی محسوب می‌شود. طرح نکته‌ی بالا هم به این دلیل بود که پرتویی بر جستارهای بعدی‌مان بیفکنیم. در واقع، در یک تحلیل گفتمانی کلان‌محور و البته با موضوع الگوی پیشرفت، بایستی در هر دوره خرده‌گفتمان‌های دیگر نیز به محک یکی از رهیافت/روش‌های گفتمانی زده‌شوند تا همه‌شان در کنار هم در یک میدان گفتمانی راهنمای پژوهش‌گر برای تحلیل تاریخ فکر ایرانیان و صورت‌بندی شرایط امکان شکل-گیری ذهنیت ایرانیان در دوره‌هایی شود که الگوی پیشرفت حاکم بلامنازع بوده‌است. هر چند در همه‌ی این تحلیل‌ها بایستی در آغاز متون خرده‌گفتمان‌ها با تحلیل محتوا بررسی شوند؛ کاری که ما در این‌جا انجام دادیم.

منابع

آبراهامیان، پروانده، *ایران بین دو انقلاب*. چاپ سیزدهم. Translated by احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی و لیلیایی. تهران: نشرنی ۱۳۸۷

آدمیت، فریدون، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱
حجاریان، سعید. "تحول گفتمان ترقی در اندیشه روشنفکران دینی در "از شاهد قدسی تا شاهد بازاری" عرفی شدن دین در سپهر سیاست، (سعید حجاریان، ۱۷۹-۱۹۴. تهران: طرح نو، ۱۳۸۰

دهقانی فیروزآبادی، جلال. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی*. تهران: سمت، ۱۳۸۸
سیدامامی، کاووس. *پژوهش در علوم سیاسی- رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی*. چاپ دوم. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی و انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۷

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

- صدری، منیژه. زندگی و عملکرد حسنعلی منصور به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳
- غلامرضا کاشی، محمدجواد. جادوی گفتار. اول. تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان ۱۳۷۹
- گفتمان دموکراسی در ایران: ذهنیت تجدد پیرامونی و بحران مشروعیت دولت مدرن در ایران. تهران: پایان نامه دکتری- دانشگاه تهران ۱۳۷۹
- نظم و روند تحول گفتار دموکراسی در ایران. تهران: گام نو ۱۳۸۵
- کوثری، مسعود. "روش مقایسه ای در "رهیافت و روش در علوم سیاسی، به کوشش عباس منوچهری و دیگران، ۲۵۴-۳۰۰. تهران: سمت ۱۳۸۷
- ملایی توانی، علیرضا. نهضت امام خمینی: از لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی تا تبعید امام به ترکیه (۴۳) در "۱۳۴۳ تحولات سیاسی-اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷ به کوشش مجتبی مقصودی. تهران: روزنه ۱۳۸۰
- میلانی، عباس. معمای هویدا. چاپ سوم. تهران: اختران ۱۳۸۰
- میلانی، محسن. شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی. چاپ ششم. ترجمه‌ی مجتبی عطارزاده. تهران: گام نو ۱۳۸۸
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. اقتصاد سیاسی ایران از مشروطه تا پایان سلسله پهلوی. چاپ سیزدهم. ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز ۱۳۸۶